

خوانشی تبیینی از بینامتنیت زیارات مآثور با قرآن بر اساس نظریه ژرار ژنت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

روح الله شهیدی^۱
مرضیه بابایی^۲
احسان کیوانی^۳

چکیده

بینامتنیت دانشی است که روابط بین متون را مورد بررسی قرار می‌دهد. طبق این نظریه، هر متن به نحوی در ارتباط با متون پیش نگاشته است. ژرار ژنت از تأثیرگذارترین پژوهشگران متأخر در عرصه بینامتنیت است. کاربرد نظریه بینامتنیت تحلیلی او در مطالعات دینی، می‌تواند روشنگر پیوند قرآن و عترت باشد. در زیارات مآثور، توسط معصومان علیهم‌السلام و به صورت آگاهانه بازتاب‌هایی از قرآن، برای تبیین کلام وحی صورت پذیرفته است؛ لکن نگرش تبیینی به زیارات به جهت فهم قرآن تا حدودی مغفول مانده است. پژوهش فرا رو با روش توصیفی-تحلیلی، با مبنا قرار دادن زیارات در تبیین قرآن، دریچه‌ای نوبه فهم آیات قرآن می‌گشاید. در این پژوهش نکاتی تبیینی از زیارات، در چارچوب بینامتنیت ژنتی، با دو الگوی صریح و ضمنی استخراج شده است که به چهار گونه: ترسیم فضای نزول، ایضاح مفهومی، بیان مصداق و بیان لایه‌های معنایی به تبیین آیات قرآن می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زیارات مآثور، بینامتنیت، ژرار ژنت، گونه‌های تفسیری.

۱. مقدمه

کلام معصومان علیهم‌السلام، از نظر شیعه، به دلیل اتصال ایشان به منبع وحی می‌تواند از بهترین

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. پردیس فارابی (shahidi@ut.ac.ir).
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (m74babaei@gmail.com).
۳. استادیار گروه الهیات دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) (k-ehsani@araku.ac.ir).

منابع برای فهم و تبیین قرآن کریم باشد. اهل بیت علیهم السلام نیز همواره تلاش نموده‌اند تا در خلال بیانات خود شیعیان را با معارف ناب محمدی و قرآنی آشنا نمایند. از این رو، علاوه بر روایات، در خلال دعاها و زیارات خود نیز به بیان معارفی برای شناخت دین و قرآن پرداخته‌اند. در این مسیر، روایات آنان مورد توجه قرار گرفته و استفاده از آن‌ها برای تبیین قرآن معهود است؛ اما بهره‌گیری از فرمایش‌های ایشان در خلال دعاها و مخصوصاً زیارات تاحدودی مغفول واقع شده است. این در صورتی است که در مواردی، معارفی که در خلال دعاها و زیارات خود برای تبیین قرآن بیان نموده‌اند، جزء ناب‌ترین معارف در این زمینه است؛ زیرا در این دعاها و زیارات مطالب و اسرار خاصی بیان شده است که شاید در دیگر متون روایی مجالی برای اشاره به آن‌ها نبوده است؛ برای نمونه، فضایل بیان شده در زیارات - که حتی در روایات نیز به آن‌ها اشاره صریح نشده است - به شناخت و تبیین بسیاری از آیات کمک می‌کنند.

برای نیل به اهداف بیان شده می‌توان از دانش‌های نوپدید در این زمینه بهره جست. از این جمله می‌توان به دانش روزآمد «بینامتنیت» اشاره نمود. بینامتنیت دانشی است که به بررسی تعامل متون با یکدیگر می‌پردازد؛ براساس این نظریه، متون نوپدید از لحاظ ساختاری و مضمونی متأثر از متون پیش‌نگاشته می‌باشند. این تأثیر در اکثر موارد ناخودآگاه و در مواردی به صورت آگاهانه و با غرضی خاص صورت می‌پذیرد. بین آیات قرآن به عنوان متن اولیه اسلامی و نصوص صادر شده از معصومان علیهم السلام به عنوان متون ثانویه اسلامی نیز چنین رابطه‌ای برقرار است و در نصوص باقی‌مانده از معصومان علیهم السلام بازتاب گسترده‌ای از آیات قرآن یافت می‌شود. این بازتاب‌ها - که به صورت آگاهانه توسط معصوم صورت پذیرفته است - با هدف تقویم و تحکیم سخن معصوم با آیات قرآن و در مواردی، با هدف تبیین آیات قرآن به واسطه سخن ایشان صورت پذیرفته است. اولین هدف مذکور، بسیار مورد بررسی قرار گرفته و در موارد بسیاری پژوهشگران برای صحت‌سنجی صوری و محتوایی برخی روایات به عرضه آن‌ها به آیات و مضامین قرآنی پرداخته‌اند؛ لکن در مورد هدف دوم، یعنی تبیین آیات قرآن به واسطه سخن معصوم علیهم السلام، به روایات تفسیری اکتفا شده است و بهره‌گیری از سایر روایات، به ویژه زیارات مأثور برای تبیین مضامین قرآنی مغفول مانده است. این امر از جهاتی بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که دسترسی به معصوم و تعلّم معارف اسلامی در عصر غیبت، تنها به واسطه نصوص باقی‌مانده از ایشان امکان‌پذیر است. از این رو، برای تحقق این مهم

باید تمامی ابزارهای معنایی، اعم از روایات و زیارات مورد توجه قرار گیرند. در واقع، زیارات مآثور را باید در حکم غنایمی دانست که قابلیت و استعداد بروز مفاهیم بدیعی برای فهم قرآن دارند؛ چرا که متون جدید، افق‌های جدیدی از دلالت‌های نص را می‌گشایند و با اخراج متن از حصر در دلالت اولیه خود، معانی متن را توسعه می‌بخشند.^۱ بیان مصادیق و نیز کشف لایه‌های باطنی از ابتدایی‌ترین این دلالت‌های بدیع به شمار می‌روند. از طرفی، زیارات به دلایلی کمتر مورد تحریف معاندان قرار گرفته‌اند.

در این نوشتار، سعی بر آن شده است که زیارات مآثور بر اساس بینامتنیت ژنتی بررسی و معارفی که در خلال زیارات توسط معصوم بیان شده، شناسایی و با تطبیق بر روایات و ادبیات شیعی، همسویی آن‌ها اثبات و سپس به عنوان گزاره‌ای برای تبیین قرآن بیان گردند. گفتنی است که زیارات به گونه‌های مختلفی به تبیین آیات قرآن کمک می‌کنند؛ برخی فقرات به تبیین ظاهر آیات می‌پردازند و از برخی برای علم به بطن قرآن بهره گرفته می‌شود.

لازم به ذکر است که پژوهش پیش رو از دو جهت از نوآوری برخوردار است:

اول. در پژوهش‌های پیشین، بینامتنی زیارات مآثور با قرآن بررسی نشده است و از میان متون اسلامی تنها به بررسی بینامتنی نهج البلاغه،^۲ صحیفه سجاده^۳ و... با قرآن اکتفا شده است.

دوم. در بیشتر مقاله‌های بینارشته‌ای در موضوع بینامتنی نصوص اسلامی با قرآن تنها به بینامتنیت صوری متون اسلامی و قرآن اشاره شده است. طبق تفحص صورت گرفته تنها در مقاله «کارکرد تفسیری بینامتنیت نهج البلاغه با قرآن بر اساس نظریه ژرار ژنت»،^۴ از شادی نفیسی و حسین افسردیر، بهره‌گیری از بینامتنیت مضمونی نهج البلاغه و قرآن در تفسیر آیات صورت پذیرفته است. این مقاله نیز بر اساس نظریه ژرار ژنت به عنوان نظریه معیار تنظیم شده و به بررسی مضمونی بینامتنیت زیارات مآثور و قرآن به هدف تبیین قرآن می‌پردازد.

۲. بینامتنیت ژنتی

ژرار ژنت (۱۹۳۰-۲۰۱۸م)،^۵ نظریه پرداز ادبی و نشانه‌شناس فرانسوی، از مهم‌ترین

۱. بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، ص ۴۵۱ و ۴۶۱.

۲. «روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه».

۳. «بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجاده» از عباس اقبالی و فاطمه حسن خانی؛ «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجاده» از محمدرضا ستوده‌نیا و زهرا محققیان.

۴. فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، پاییز ۹۷، شماره ۲۳.

اندیشوران در گسترش و تدقیق نظریه بینامتنیت در دوران معاصر است.^۱ از منظر او، آثار ادبی به منزله کلیاتی اصیل و یگانه نبوده، بلکه گزینش‌ها و آمیزش‌هایی خاص از نظامی مشخص و معین‌اند. این نظام در بدو امر چندان آشکار نیست و وظیفه ناقد ادبی است که برای فهم و تأویل هراتر، روابط بین آن را با نظام پیش‌گفته آشکار سازد.^۲ ژنت برای این هدف، نظریه «ترامتنیت»^۳ را بنیاد می‌نهد و آن را چنین تعریف می‌کند:

هر چیزی که پنهانی یا آشکار، متن را در ارتباط با متنهای دیگر قرار دهد.^۴

او یکی از اقسام این ارتباط را^۵ «بینامتنیت»^۶ می‌داند که به اجمال عبارت است از:

رابطه هم‌حضور میان دو یا چند متن، یا به دیگر سخن، حضور واقعی یک متن در متن دیگر.^۷

این تعریف را چنین بسط داده‌اند که هرگاه از یک متن ادبی یا هنری عنصریا عناصری در متن دوم حضور بیابد و به طور یقین معلوم گردد که متن دوم به طور مستقیم یا غیرمستقیم از متن نخست تأثیر پذیرفته است، رابطه این دو متن، بینامتنی است.^۸ بازشناخت پیش‌گفته، در اقسام سه‌گانه بینامتنیت از دیدگاه ژنت وضوحی بیشتر می‌یابد. او بینامتنیت را به سه نوع تقسیم می‌کند:^۹

۱. دلیل‌گزینش بینامتنیت ژنتی جهت تبیین قرآن این است که ژنت به صراحت در جستجوی روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متون نیز هست. به عبارتی، بینامتنیت ژنتی علاوه بر بررسی روابط هم‌عرض متون، به روابط طولی، یعنی روابط یک متن با گونه خود نیز پرداخته است. در واقع، رابطه طولی متون را می‌توان همان بافت و سیاقی از متن در نظر گرفت که می‌توان متون دیگر را درون آن تفسیر کرد و اصطلاح تفسیر بینامتنی نیز - که به بررسی روابط معناشناختی متون دیگر اسلامی با قرآن می‌پردازد - ناظر به همین مسئله است. بنابراین، در مطالعات دینی و بررسی تأثیر و تأثر متون دینی بر یکدیگر و تبیین دیالکتیکی آن‌ها، بینامتنیت ژنتی از کارآمدی بیشتری برخوردار است.

۲. رک: بینامتنیت، ص ۱۴۱.

3. Transtextuality.

۴. «ترامتنیت: مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، ص ۸۶؛ بینامتنیت، ص ۱۴۷.

۵. برای آشنایی با دیگر اقسام دیگر ارتباط رک: «ترامتنیت: مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»؛ بینامتنیت، ص ۱۴۸-۱۶۵؛ درآمدی بر بینامتنیت، ص ۴۳۳-۴۳۵.

6. Intertextuality.

۷. بینامتنیت، ص ۱۴۸؛ «ترامتنیت: مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، ص ۸۷.

۸. بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم، ص ۳۱.

۹. «ترامتنیت: مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، ص ۸۸-۸۹؛ درآمدی بر بینامتنیت، ص ۸۸ و ۸۹؛ بینامتنیت، ص ۱۴۸.

۱-۲. بینامتنیت صریح (لفظی)

بینامتنیت صریح، بیان‌گر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است. نقل قول متمایز مؤلف متن دوم از متن اول در این دسته قرار می‌گیرد.

۲-۲. بینامتنیت غیرصریح

بینامتنیت غیرصریح، بیان‌گر حضور پنهان یک متن در متن دیگر است. به عبارت دیگر، این نوع بینامتنیت می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند و این پنهان‌کاری به دلیل ضرورت‌های ادبی نیست، بلکه دلایلی فراادبی دارد. سرقت ادبی - هنری یکی از مهم‌ترین انواع بینامتنیت غیرصریح تلقی می‌شود. سرقت ادبی - هنری استفاده از متنی دیگر بدون اجازه و ذکر و ارائه مرجع است.

۳-۲. بینامتنیت ضمنی

در بینامتنیت ضمنی مؤلف متن دوم قصد پنهان‌کاری بینامتن خود را ندارد و به همین دلیل، نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و مرجع آن را نیز شناخت، اما کشف ارتباط میان دو متن نیازمند دقت بالاتری نسبت به دو حالت قبلی است.

۳. کاربرد روابط بینامتنی زیارت با قرآن در تبیین آیات

طبق مضامینی از آموزه‌های اسلامی، همچون حدیث ثقلین^۱، معصومان علیهم‌السلام عدل قرآن معرفی شده‌اند؛ بدین معنا که از سویی، قرآن معرّف منزلت حقیقی معصومان علیهم‌السلام است و از سویی دیگر، معصومان علیهم‌السلام معلمان حقیقی معارف قرآن هستند. از این رو، می‌توان چنین اظهار داشت که تمامی سخنان صادر شده از ایشان به نحوی در ارتباط با قرآن است و این ارتباط در انواع مختلفی ظهور و بروز می‌یابد. از بین این ترابط‌ها می‌توان به نقش تبیینی روایات در تسهیل فهم آیات قرآن اشاره نمود. در زیارات معصومان علیهم‌السلام نیز - که دسته‌ای از روایات تفسیری محسوب می‌گردند - این روابط تبیینی به گونه‌های مختلفی به چشم می‌خورد. معصومان علیهم‌السلام در خلال فقرات زیارات وارد شده از ایشان، آنجا که قصد تبیین آیات قرآن کریم داشته‌اند، به دوروش صریح و ضمنی، آیات و عبارات قرآنی مورد نظر خود را

۱. اِنِّی تَارِكٌ فِیْكُمْ التَّقْلِیْنِ كِتَابَ اللّٰهِ وَ عِزَّتِیْ اَهْلَ بَيْتِیْ (امالی الصدوق، ص ۴۱۵).

در فقرات زیارت وارد نموده و سپس به تبیین آیات مربوط اقدام نموده‌اند. این‌گونه به کارگیری متون قرآنی در متن زیارات، به خوبی تأثیرمتون دینی بر یکدیگر و نیز چگونگی تفسیر بینامتنی قرآن توسط زیارت را به نمایش می‌گذارد که کاملاً قرین بر نظریه بینامتنی ژنت است. در ادامه، نمونه‌هایی از این تبیین‌ها - که به گونه‌های ترسیم فضای نزول، ایضاح مفهومی، بیان مصداق و بیان لایه‌های معنایی در زیارات معصومان علیهم‌السلام متبلور شده‌اند - بررسی می‌گردند. لازم به ذکر است که این نوع نگاه به زیارات منجر به بهره‌گیری حداکثری از زیارات و ادخال آن‌ها به جرگه روایات تفسیری، با هدف تبیین گزاره‌های قرآنی نیز می‌گردد؛ چرا که در کنار مواردی که زیارات به عنوان مؤکدی برای روایات تفسیری محسوب می‌گردند، در برخی موارد تبیین‌های بدیعی از آن‌ها به دست می‌آید که شاید کمتر در روایات تفسیری مورد توجه قرار گرفته باشد.

در ادامه، روابط بینامتنی صریح و ضمنی^۱ زیارات با آیات قرآن بررسی و نمونه‌هایی برای تفهیم چگونگی تبیین آیات توسط زیارات بیان می‌گردد.

۴. نمونه‌هایی از بینامتنیت صریح ژنتی

به موازات روایات تفسیری، پاره‌ای از زیارات نیز با بیان آشکار و تحت‌اللفظی آیات، به برقراری ارتباط تبیینی با آن‌ها پرداخته‌اند؛ بدین معنا که با اشاره مستقیم به لفظ آیات، مسیر تبیین آن‌ها را هموار نموده‌اند. در ادامه، پاره‌ای از زیارات در این قالب و به گونه‌های تبیینی ترسیم فضای نزول، ایضاح مفهومی و بیان مصداق بررسی می‌گردند.

۴-۱. ترسیم فضای نزول

برخی از آیات دارای ابهاماتی هستند که از طریق بازخوانی حوادث بستر ساز نزول آن آیات و یا بازتاب‌های پس از نزول آیات، این ابهامات برطرف شده و فهم آیات با شفافیت بیشتری امکان می‌پذیرد. در ترسیم فضای نزول - که مبحثی عام بوده - گاه شرایط پیش از نزول ترسیم می‌شود و گاه بازتاب‌های پس از نزول به تصویر درمی‌آید.^۲ در واقع، شرایط زمینه‌ای و نیز عواقب نزول آیات را بررسی می‌کند و سبب وصول مخاطب به فهم‌های دقیق‌تری از آیات

۱. از آن‌جا که ژنت به صراحت بینامتنیت ضمنی را نوعی سرقت ادبی می‌داند، به دلیل میرا بودن ساحت معصومان علیهم‌السلام از این نوع برخورد با آیات، در این پژوهش فقط نمونه‌هایی در قالب بینامتنیت صریح و ضمنی بیان می‌گردند.

۲. «روایات تفسیری شیعه؛ گونه‌شناسی و حجیت»، ص ۷.

می‌گردد. در فقراتی از زیارات مطالبی بیان شده که از همین مسیر، یعنی «ترسیم فضای نزول» به تبیین آیات قرآن می‌پردازند. معصومان علیهم‌السلام برای ورود به تبیین آیات به گونه ترسیم فضای نزول، آیات را در قالب‌های صریح و ضمنی در زیارات خود وارد نموده‌اند که راهبرد ایشان برای برقراری ارتباط تبیینی بینامتنی قرآن با زیارات، متقارن برینامتنیت ژنت است.

نمونه

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است:

وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا، وَأَمَرَكَ أَنْ تَضْطَجِعَ فِي مَرْقَدِهِ، وَأَقِيماً لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلَى إِبَابَتِهِ مُطِيعاً، وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْظِئاً، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَأَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۱.

در این فقره از زیارت، معصوم علیه‌السلام با مخاطب قرار دادن حضرت علی علیه‌السلام و تشریح وقایع لیلۃ‌المبیت، چنین بیان می‌دارد که آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾^۲ در مدح ایشان نازل شده است. در واقع، در این فقره از زیارت معصوم علیه‌السلام با بیان عبارت «وَأَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ» اقدام به نقل قول مستقیم از قرآن و جداسازی آیه مزبور از سایر قسمت‌های زیارت نموده است و رخداد بینامتنیت صریح ژنتی در آن کاملاً مشهود است. این بینامتنیت صریح دلالت واضحی بر نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره در شأن حضرت علی علیه‌السلام دارد و از طریق فضاسازی وقایع پیش از نزول، به تبیین آیه مذکور می‌پردازد و تأکیدی بر روایات شأن نزول آیه به حساب می‌آید.

به بیان روایات تفسیری، شأن نزول این آیه مربوط به ماجرای هجرت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فداکاری حضرت علی علیه‌السلام و خوابیدن او در بستر آن حضرت در لیلۃ‌المبیت است. از آن جا که این کار خطر جانی برای حضرت علی علیه‌السلام در پی داشت، به همین دلیل خدا از این کار با تعبیر معامله جان با خدا یاد می‌کند.^۳ این فقره نیز با اشاره به وقایع لیلۃ‌المبیت، به بیان شأن نزول آیه مذکور و نیز تقویت روایات تفسیری وارد شده در این خصوص می‌پردازد.

۱. المزار الکبیر، ص ۲۷۹.

۲. سوره بقره، آیه ۲۰۷: کسی دیگر از مردم برای جستن خشنودی خدا جان خویش را فدا کند. خدا بر این بندگان مهربان است.

۳. الکشف و البیان، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲-۴. ایضاح مفهومی

در مواردی، آیه‌ای از آیات قرآن کریم برای فهم دقیق‌تر، نیاز به توضیح جزئیات، تعیین معنا از بین چند معنا و نیز بسط معنایی دارد. بنابراین، مراد از ایضاح مفهومی، آن است که زیارت به توضیح و تبیین نسبت میان یک یا چند جمله پردازد. همچنین، مواردی که به تعیین یکی از دو معنا اشاره دارند، نیز ذیل همین عنوان گنجانده شده‌اند. گفتنی است مواردی که زیارت به بسط و تفصیل معنای آیه می‌پردازد نیز در این دسته قرار می‌گیرد.^۱ بینامتنیت زیارات با قرآن با هدف توضیح مفاهیم آیات، در قالب‌های صریح و ضمنی صورت پذیرفته است.

نمونه اول

در زیارتی از زیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ دَعَوْتَنَا لِشَهِدَتِنَا عَلَى أَنْفُسِنَا، أَنْتَ رَبُّنَا وَسَيِّدُنَا وَمَوْلَانَا، فَأَجْبِنَاكَ بِالْإِقْرَارِ لَكَ، وَأَشْهَدُتَنَا بِذَلِكَ عَلَى أَنْفُسِنَا، فَقُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾، ثُمَّ أَشْهَدُتَنَا عَلَى أَنْفُسِنَا أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْعَرَبِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ أَمَرْتَنَا بِالطَّاعَةِ، فَقُلْتَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲، فَاخَذْتَ بِذَلِكَ عَلَيْنَا الْعَهْدَ وَالْمَوَاطِئَ لِئَلَّا نَقُولَ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ.^۳

معصوم علیه السلام در این فقره از زیارت با بیان عبارت «قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ»، آیه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ»^۴ را از بیانات خود متمایز نموده و از این رهگذر، در واقع، آیه شریفه را به تصریح بیان می‌کند. از آنجا که در بینامتنیت صریح ژنتی نیز تمایز بینامتن حاضر از متن غایب مورد نظر است، این آیه نیز در

۱. «روایات تفسیری شیعه؛ گونه‌شناسی و حجیت»، ص ۷.

۲. سوره نساء، آیه ۵۹: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۷.

۴. سوره اعراف، آیه ۱۷۲: و پروردگارت تواز پشت بنی آدم فرزندانشان را بیرون آورد. و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید:

آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم. تا در روز قیامت نگویید که ما از آن بی‌خبر بودیم.

زمره بینانیت صریح ژنتی جای می‌گیرد و هدف از تصریح به آیه در زیارت، تبیین آن به واسطه ایضاح مفهومی در قالب بسط مفهوم بوده است.

این آیه به شهادتی که خداوند در عالم ذر از بندگان گرفته است، اشاره می‌کند. این عهد - که عهد الست نامیده شده - در واقع، اقرار گرفتن به یگانگی خداوند است؛ اما این فقره به ایضاح مفهومی آیه، از طریق بسط مفهوم می‌پردازد و عهدی را که در الست گرفته شده، تفصیل می‌دهد و بیان می‌کند که علاوه بر یگانگی خداوند، درباره رسالت پیامبر ﷺ و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز از ما عهد گرفته شده و مأمور به اطاعت اولی الامر، یعنی ائمه (علیهم السلام) نیز شده‌ایم و در آخرنیز با آوردن عبارت «إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»^۱ راه هرگونه عذری را در قبال کوتاهی در توحید و نبوت و امامت بسته است.

نمونه دوم

در زیارتی از زیارات پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَ اخْتَارَكَ، وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ. ثم قال: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۲.

معصوم در این فقره از زیارت، با تصریح بر آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۴ در انتهای کلام خود، به تبیین آیه اشاره شده می‌پردازد.

در این آیه ابتدائاً بیان شده که خداوند و فرشتگان بر پیامبر اکرم ﷺ درود می‌فرستند و در ادامه به مؤمنان امر می‌کند که آنان نیز بر پیامبر ﷺ درود فرستند. بدیهی است که نوع صلوات و درود خداوند و فرشتگان بر پیامبر ﷺ با نوع صلوات مؤمنان بر ایشان، متفاوت است و صلوات هر کدام معنایی خاص دارد که در این فقره از زیارت، معصوم (علیه السلام) با آوردن عبارت «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ» و سپس استناد به آیه شریفه در ضمن کلام خود، مؤمنان را با ماهیت اصیل صلوات مؤمنان بر پیامبر ﷺ آشنا می‌سازد؛ بدین صورت که این صلوات را طلب مؤمنان از خداوند برای درود بر پیامبر ﷺ معنا می‌کند و از این طریق به ایضاح مفهوم

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۳.

۲. خدا و فرشتگانش بر پیامبر صلوات می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او صلوات فرستید و سلام کنید؛

سلامی نیکو.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۲.

۴. سوره احزاب، آیه ۵۶.

عبارت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ﴾ در آیه می پردازد.

۳-۴. بیان مصداق

آیات قرآن کریم به صورت مصداق اول خود نازل شده اند؛ اما بر پایه قواعد زبانی و تفسیری نمی توان این مصادیق را مصادیق انحصاری آیه دانست. یکی از رسالت های مهم روایات تفسیری ذکر مصادیق متعدد آیات است. علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان، بسیاری از روایات را بر مصداق حمل می کند و برای این منظور، اصطلاح جری و تطبیق و گاه تعبیر مصداق بطن را به کار می برد؛ بدین معنا که برای آیه، به جز معنای ظاهری، معنایی بطنی منظور داشته و مصداقی از آن معنای بطنی را در روایت، نشان داده است.^۱ به همین منظور، فقراتی از زیارات نیز به ذکر مصادیق آیات می پردازند که در برخی زیارات با تصریح بر آیات قرآن کریم، مصادیق آن ها معرفی شده و از این طریق تبیین شده اند.

نمونه

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾.^{۲، ۳}

در این فقره با عبارت «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى»، نقل قول مستقیمی از آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۴ صورت گرفته و از فقراتی است که در دسته بینامتنیت صریح ژنتی قرار می گیرد. خداوند در این آیه به مؤمنان امر به تقوا کرده و در ادامه و برای تحقق آن، امر به معیت با صادقین می کند؛ چرا که صادق در واقع کسی است که در عمل، درست باشد و این خود بالاترین مرتبه تقواست. به همین جهت، خداوند برای تقوا پیشه کردن، افراد را به معیت با صادقین ارجاع می دهد؛ چرا که آنان خود متقی اند و چون خود مسیر تقوا را پیموده اند، می توانند دستگیر سایر مؤمنان هم باشند.

این فقره با بیان امر خداوند به مؤمنان برای پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز دعوت آنان به طلب یاری از حضرت، و بلافاصله در پی آن استشهاد و تصریح به آیه ۱۱۹ سوره توبه، تلویحاً

۱. «روایات تفسیری؛ گونه شناسی و حجیت»، ص ۱۰.

۲. سوره توبه، آیه ۱۱۹: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و با راست گویان باشید.

۳. المزار الکبیر، ص ۲۷۷.

۴. سوره توبه، آیه ۱۱۹.

حضرت را از مصادیق تام صادقین معرفی می‌کند و مخاطب را به صورت ناخودآگاه به سمت این برداشت از آیه سوق می‌دهد؛ چرا که در آیه نیز از مؤمنان خواسته شده برای تقوای الهی از صادقین پیروی کنند که کامل‌ترین مصداق آن ائمه‌اند.

۵. نمونه‌هایی از بینامتنیت ضمنی ژنتی

این گونه بینامتنیت به صورتی پنهانی برقرار می‌گردد و برخلاف بینامتنیت صریح، هیچ گونه اقدامی برای جداسازی گزاره‌های قرآنی از متن زیارات توسط معصوم علیه السلام صورت نپذیرفته است. بنابراین، چون آیات، بدون اشاره مستقیم به آیه بودن آن‌ها، با همان ترکیب و یا با ترکیبی متفاوت در متن زیارت وارد شده‌اند، در واقع، این مخاطب است که باید این نوع از ارتباط بینامتنی را کشف و بررسی نماید و از این رهگذر به چگونگی تبیین آیات به واسطه زیارات دست یازد. از این ترابط‌ها - که به نحو اشاری و کنایه‌ای بینامتن را به متن غائب پیوند می‌زنند - در زبان فارسی به تلمیح تعبیر می‌شود که در آن هدف معصوم علیه السلام از اشاره به آیه، توضیح مفاهیم و مدالیل آیه بدون تصریح به متن آن، به گونه‌های ترسیم فضای نزول، ایضاح مفهومی، بیان مصداق و بیان لایه‌های معنایی بوده است.

۱-۵. ترسیم فضای نزول آیات

نمونه اول

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

فَقَتَلَتْ عَمْرُوهُمْ وَهَزَمَتْ جَمْعُهُمْ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بَكَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا.^۱

در این فقره از زیارت، آیه ﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا﴾^۲ به صورتی با فقرات زیارت ممزوج شده که بدون آشنایی قبلی با متن قرآن، امکان جداسازی آیه از متن زیارت برای مخاطب وجود ندارد. این نوع رابطه بینامتنیت بین قرآن و زیارت - که در خلال آن تصریحی صورت نگرفته است - ناظر به همان بینامتنیت ضمنی ژنتی است.

۱. المزار الکبیر، ص ۲۷۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۵: خدا کافران کینه‌توز را بازپس زد. اینان به هیچ غنیمتی دست نیافتند و در کارزار مؤمنان را خدا بسنده است؛ زیرا خدا پرتوان و پیروزمند است.

درباره بستر نزول آیه باید چنین بیان داشت که خداوند در ابتدای جنگ احزاب عواملی را فراهم آورد که بدون درگیری وسیع و وارد شدن خسارات به مسلمانان، جنگ به نفع آنان پایان یابد. مهم‌ترین عامل، مرگ «عمرو بن عبدود» در اثر ضربه‌ای بود که حضرت علی علیه السلام به او وارد ساخت و این امر ناامیدی و عقب‌نشینی مشرکان را در پی داشت و آیه ۲۵ احزاب در پی این واقعه نازل گردید. از آنجا که این عمل حضرت علی علیه السلام از شعله‌ور شدن زبانه جنگ و وارد شدن خسارات به مؤمنان جلوگیری کرد، در آیه از آن به عنوان امری که مؤمنان را از جنگ کفایت کرد، یاد شده است.^۱

این فقره از زیارت نیز - که به قتل «عمرو بن عبدود» به دست حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کند - معصوم علیه السلام با تصرف در متن آیه وارد شده در زیارت و اضافه نمودن لفظ «بک» به آن، چنین بیان می‌دارد که خدا به واسطه حضرت علی علیه السلام مؤمنان را از جنگ کفایت نمود. این اضافه تفسیری به آیه، مخاطب را همسو با روایات تفسیری، به تبیین آیه مورد نظر از مسیر ترسیم فضای نزول سوق می‌دهد.

نمونه دوم

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَجَّى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ صَدَقَاتٍ.^۲

این فقره از زیارت صیغه گذشته از امری است که در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاهُ صَدَقَةً﴾^۳ صادر گردیده و با بیان ترکیبی متفاوت از آیه، به بینامتنیت ضمنی زیارت با قرآن دلالت دارد.

شأن نزول آیه چنین است که برخی از مسلمانان ثروتمند با پیامبر خدا فراوان نجوا می‌کردند و همین نجوا را نوعی امتیاز و تقرب به رسول خدا در برابر فقرا می‌دانستند. فقرا نیز از این بابت ناراحت می‌شدند. لذا خدای تعالی به آن‌ها دستور داد که پیش از نجوی با پیامبر صلی الله علیه و آله به فقرا صدقه دهند؛^۴ اما پس از نزول آیه، تنها امیر مؤمنان علیه السلام به این آیه عمل نمود و بعد از مدتی آیه نسخ گردید. این فقره از زیارت نیز در واقع تنها عمل‌کننده به این آیه را

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴۹.

۲. المزار الکبیر، ص ۲۵۸.

۳. سوره مجادله، آیه ۱۲: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خواهید که با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجواکردنتان صدقه بدهید.

۴. الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۲، ص ۱۰۷۷.

حضرت علی علیه السلام معرفی می‌کند؛ چرا که این تعبیر در باره هیچ کس دیگری وارد نشده است. این فقره از زیارت با معرفی علی علیه السلام به عنوان تنها عمل کننده به آیه ۱۲ سوره مجادله، در واقع، با بیان وقایع پس از نزول این آیه، بستر نزول آیه بعدی را تشریح می‌کند؛ چرا که آیه ۱۳ مجادله در پی عمل نکردن به حکم آیه نجوا توسط عموم مردم (به جز حضرت علی) و نسخ حکم نجوا با رسول به شرط پرداخت صدقه در آیه قبل، نازل گردید.

۲-۵. ایضاح مفهومی

نمونه اول

در زیارتی از زیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

أَسْتَلُّ اللهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَ اخْتَارَكَ، وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ، أَنْ يَصَلِّيَ عَلَيْكَ. ثم قال: ﴿إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱.

این فقره از زیارت با نسبت دادن هدایت‌پذیری و نیز هدایت‌گری به پیامبر صلی الله علیه و آله، به صورت ضمنی به هدایت شدن پیامبر در آیه هفتم سوره ضحی و نیز هدایت آحاد بشر توسط پیامبر در آیه ۵۲ شوری اشاره می‌کند.

آمدن عبارت «هداک و هدی بک»، بعد از عبارت «اجتباک و اختارک» می‌تواند بیان‌گر این مطلب باشد که این هدایت شدن و هدایت کردن، بعد از برگزیدگی به مقام رسالت است؛ بدین معنا که خداوند از آن هنگام که بندگان خود را برای نبوت برمی‌گزیند، آنان را به این طریق، یعنی نبوت و رسالت هدایت می‌فرماید. از طرفی، آمدن جمله «و هدی بک» پس از جمله «و هداک» نیز مؤید این ادعاست که در اینجا مرتبه خاصی از هدایت مورد نظر است و آن، هدایت به رسالت و نبوت است، نه معنای ابتدایی هدایت، یعنی عبور از ضلالت به راه راست؛ چرا که لازمه هدایت‌گری (و هدی بک) آن است که شخص ابتدائاً خود به بالاترین مرتبه هدایت، یعنی رسالت و نبوت هدایت شده باشد و طریق هدایت را به صورت کامل طی کرده باشد تا بتواند به آن طریق رهنمون شود. در نتیجه، لازمه هدایت‌گری، هدایتی اختصاصی برای انبیا است که هیچ‌گونه ضلالتی در آن راه نداشته باشد. بنابراین مؤخر آوردن جمله «هدی بک» ما را به معنای «هداک» - که هدایت به نعمت رسالت و سبب هدایت‌گری عموم مردم است - رهنمون می‌سازد.

۱. المزار الکبیر، ص ۲۵۸.

با توجه به مطالب بیان شده در بالا، معنای آیه ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾^۱ نیز روشن می‌شود. در ذیل این آیه برای تعبیر معنای ضلالت و سپس هدایت پیامبر، وجوه و تفاسیر مختلفی بیان شده است؛ اما با توجه به معنایی از هدایت - که در این فقره از زیارت بدان اشاره شده است - هدایت در این آیه برخوردار از شریعت و رسالت است. در روایات تفسیری اشاره‌ای به این برداشت از آیه نشده و زیارت برداشت بدیعی را ارائه می‌دهد. و درباره عبارت «وهدی بک» باید گفت که تنها در آیه ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۲ است که هدایت کردن مستقیماً به پیامبر نسبت داده شده و منظور از آن، ارائه طریق و دعوت بندگان به هدایت است و عبارت «هدی بک» در این فقره از زیارت در تبیین این معنا به ما کمک می‌کند که هدایت‌گری نسبت داده شده به پیامبر همان دعوت پیامبر به هدایت و سپس واسطه شدن وی برای هدایت بشر است؛ همان طور که در آیه ﴿إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغَ﴾^۳ پیامبر را تنها مبلغ (رساننده پیام الهی و دعوت کننده) معرفی می‌کند. در نتیجه، این فقره از زیارت به تبیین معنای اصیل هدایت پیامبر در قرآن، به گونه‌ای که گذشت، پرداخته و به ایضاح مفهومی نسبت هدایت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌پردازد.

نمونه دوم

در زیارتی از زیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ السَّابِقِ إِلَى طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
الْمُهَيِّمِينَ عَلَى رُسُلِهِ.^۴

در این فقره - که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مهمین بر سایر رسل معرفی شده‌اند - اشاره و تلمیحی به مهمین بودن قرآن بر سایر کتب در آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ﴾^۵ صورت گرفته است. کلمه «مهمین» در آیه از ماده «هیمنه» گرفته شده و به طوری که از موارد استعمال آن بر می‌آید، معنای هیمنه چیزی بر چیز دیگر، این است که آن شیء مهمین بر آن شیء دیگر

۱. سوره ضحی، آیه ۷.

۲. سوره شوری، آیه ۵۲.

۳. سوره شوری، آیه ۴۸: بر تو جز تبلیغ رسالت هیچ نیست.

۴. المزار الکبیر، ص ۱۲.

۵. سوره مائده، آیه ۴۸: و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم؛ تصدیق کننده و حاکم بر کتاب‌هایی است که پیش از آن بوده‌اند.

تسلط داشته باشد. البته هر تسلطی را هیمنه نمی‌گویند، بلکه هیمنه تسلط در حفظ و مراقبت آن شیء و تسلط در انواع تصرف در آن است.^۱ علامه طباطبایی معتقد است:

وضع قرآن - که خدای تعالی در این آیه در مقام توصیف آن است - نسبت به سایر کتب آسمانی به همین صورت است و جمله مورد بحث - که می‌فرماید: ﴿وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ﴾ - متمم جمله قبل است که می‌فرماید: ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ﴾ و متممی است که آن را توضیح هم می‌دهد؛ چون اگر این جمله نبود، ممکن بود کسی توهم کند که لازمه تصدیق تورات و انجیل این است که قرآن احکام و شرایع آن دورا نیز تصدیق کرده باشد؛ به این معنا که حکم کرده باشد به این که شرایع تورات و انجیل هم اکنون نیز باقی است، و قرآن هیچ تغییر و تبدیلی در آن نداده، و همین که فرمود: قرآن در عین این که تورات و انجیل را تصدیق دارد، مهیمن بر آن دو نیز هست، دیگر جای این توهم باقی نمی‌ماند و می‌فهماند که تصدیق قرآن به این معنا است که قرآن قبول دارد که این دو کتاب از ناحیه خدا نازل شده، و خدای تعالی می‌تواند هر گونه تصرفی در آن‌ها بنماید، پاره‌ای احکام آن دورا نسخ، و پاره‌ای دیگر را تکمیل کند.^۲

بنابراین، این آیه ناظر بر تکامل قرآن نسبت به سایر کتب آسمانی و به همین دلیل هیمنه آن بر سایر کتب است که در عین تصدیق کتب قبلی، به تصرف در آن‌ها نیز پرداخته و شرایع آن‌ها را نسخ یا تصحیح نموده است. این فقره از زیارت نیز - که به مهیمن بودن پیامبر گرامی اسلام اشاره می‌کند - به ایضاح مفهومی آیه ۴۸ سوره مائده می‌پردازد؛ به دلیل آن که وجه برتری و شرافت هر کتاب آسمانی بر رسولی است که خداوند آن کتاب را بر او نازل کرده است و این فقره نیز به معرفی پیامبر اسلام به عنوان مهیمن بر سایر رسل می‌پردازد و تلویحاً لازمه مهیمن بودن قرآن نسبت به سایر کتب را مهیمن بودن پیامبر اسلام بر سایر رسل می‌داند؛ همان طور که مسیح عليه السلام با انجیل مصدق تورات بود و قرآن درباره ایشان می‌فرماید:

﴿وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ لَكُم مِّنْهُ نِعْمَةٌ كَثِيرَةٌ﴾^۳

آیه مذکور حضرت مسیح را مصدق تورات و تغییردهنده و در واقع، مهیمن بر آن نام

۱. تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲. البیان فی موافقة بین الحدیث و القرآن، ج ۵، ص ۵۷۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۶۰: تورات حاضر را تصدیق می‌کنم و پاره‌ای از چیزهایی را که بر شما حرام شده حلال می‌کنم. با نشانی از پروردگارتان نزد شما آمده‌ام. از خدای بترسید و از من اطاعت کنید.

می برد، نه انجیل آن را. لذا آیه ۴۸ مائده نیز با اشاره به مهیمن بودن قرآن بر سایر کتب، در واقع به مهیمن بودن پیامبر بر سایر رسل اشاره می کند و مخاطب را به این بسط معنا و در نتیجه ایضاح مفهومی آیه رهنمون می سازد.

۳-۵. بیان مصداق

نمونه اول

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَىٰ صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ عِلْمِ التَّيْبِينَ الْحَاكِمِ فِي يَوْمِ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَىٰ شَجَرَةِ التَّقْوَىٰ.^۱

در این فقره از زیارت، بدون ارجاع و تصریح به آیه، به عین عبارت قرآنی «صالح المؤمنین» در ضمن کلام اشاره شده است که در ارتباط با آیه ﴿فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ است و به تبیین این عبارت قرآنی می پردازد.

این آیه در ادامه داستانی که در ابتدای سوره نقل شده، نازل شده است. این ماجرا در قلب پاک پیامبر و روح عظیم او تأثیر منفی گذاشت تا آنجا که خداوند به دفاع از او پرداخته و با این که قدرت خودش از هر نظر کافی است، حمایت جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان دیگر را نیز اعلام می دارد. در اینجا تعبیر خاص صالح المؤمنین به کار برده شده که عیناً در زیارت هم تکرار شده است. اشاره به تعبیر «صالح المؤمنین» در این فقره برای شخص امیرالمؤمنین علیه السلام، ایشان را به عنوان مصداق تام تعبیر صالح المؤمنین در آیه معرفی می کند.

نمونه دوم

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ، وَيَدًا لِبَنِيهِ، وَتَاجًا لِرَأْسِهِ، وَبَابًا لِسِرِّهِ.^۳

عبارت «وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ» به صورت ضمنی برگرفته از آیه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۴ است و به تبیین آن می پردازد. در تفسیر نمونه آمده است:

۱. المزار الکبیر، ص ۴۷.

۲. سوره تحریم، آیه ۴: خدا یاور اوست و نیز جبرئیل و مؤمنان شایسته.

۳. موسوعه زیارات المعصومین، ج ۲، ص ۱۲۲.

۴. سوره رعد، آیه ۷: جز این نیست که تو بیم دهنده ای هستی و هر قومی را رهبری است.

جمعی از مفسران هر دو صفت منذر و هادی را منسوب به پیامبر می‌دانند و آیه را به صورت انت منذر و هاد لكل قوم ترجمه می‌کنند؛ ولی این تفسیر خلاف ظاهر آیه فوق است؛ چرا که حرف واو، جمله «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» را از «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ» جدا کرده است. آری، اگر کلمه «هاد»، قبل از «لِكُلِّ قَوْمٍ» بود، این معنا کاملاً قابل قبول بود، ولی چنین نیست. دیگر این که هدف این بوده است که دو قسم دعوت کننده به سوی حق را بیان کند: اول دعوت کننده‌ای که کارش انذار است و دیگر، دعوت کننده‌ای که کارش هدایت است. حتماً سؤال خواهید کرد که چه تفاوتی میان «انذار» و «هدایت» است؟ در پاسخ می‌گوییم که انذار برای آن است که گمراهان از بیراهه به راه آیند و در متن صراط مستقیم جای گیرند، ولی هدایت برای این است که مردم را پس از آمدن به راه، به پیش ببرد. در حقیقت، «منذر» همچون «علت محدثه» و ایجاد کننده است و هادی به منزله «علت مبقیه» و نگهدارنده و پیش برنده. و این همان چیزی است که ما از آن تعبیر به رسول و امام می‌کنیم، رسول، تأسیس شریعت می‌کند و امام حافظ و نگهبان شریعت است (شک نیست که هدایت کننده بر شخص پیامبر در موارد دیگر، اطلاق شده، اما به قرینه ذکر منذر در آیه فوق می‌فهمیم که منظور از هدایت کننده کسی است که راه پیامبر را ادامه می‌دهد و حافظ و نگهبان شریعت او است).^۱

عبارت «وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ» در فقره این زیارت، به تبیین عبارت «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» در آیه ۷ سوره رعد می‌پردازد. این آیه در ابتدا به صیغه مخاطب، پیامبر ﷺ را به عنوان منذر معرفی می‌کند و در ادامه، با بیانی عام هرامتی را علاوه بر منذر، دارای یک هادی می‌داند. همان طور که گذشت، نوع بیان آیه این معنا را به ذهن متبادر می‌سازد که هادی نقش متفاوتی از منذر دارد و هرامتی علاوه بر منذر، یک هادی نیز دارد. به همین منوال، منذر امت اسلام پیامبر ﷺ است؛ اما دارای یک هادی نیز هست که البته در آیه به آن تصریح نشده است و در این فقره از زیارت حضرت علی عليه السلام مصداق «هاد» در آیه معرفی شده است. چون در آیه گفته شده برای هرامتی هادی‌ای هست و در زیارت گفته شده که هادی امت اسلامی حضرت علی عليه السلام است، زیارت از این طریق به بیان مصداق اصیل آیه و در نتیجه تبیین آن می‌پردازد.

نمونه سوم

در زیارتی از زیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۳۰.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ.^۱

این فقره از زیارت بدون تصریح و نیز نشانه‌ای، در ارتباط ضمنی با آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۲ است و عبارت «مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ» در زیارت، همان گونه که در ادامه می‌آید، تلمیحی به عبارت قرآنی «تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ» دارد.

این آیه نوید نزول فرشتگان را بر مؤمنان با استقامت می‌دهد که بشارت پیروزی و بهشت را به آنان می‌دهند. مختلف الملائکه بدین معناست که وجود معصوم محل رفت و آمد دائمی ملائکه است. ملائکه به دلیل این که مجردند، باید به مکانی مجرد نازل شوند که همان قلب انسان کامل است که هم مجرد است و هم توانایی تحمل نزول ملائکه را داراست. در این بند از زیارت، به نزول فرشتگان بر قلب ائمه علیهم السلام - که انسان‌های کامل‌اند - اشاره می‌کند و این تعبیر در زیارت، مصادیق تام ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾ در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ را ائمه علیهم السلام معرفی می‌کند؛ چرا که نزول ملائکه به معنای واقعی فقط بر قلب معصوم امکان پذیر است، اما در مراتب دیگری، فرشتگان بر دیگر بندگان نیز نازل می‌شوند.

۴-۵. بیان لایه‌های معنایی

یکی از وجوه تازگی و نو بودن قرآن، اشتغال این کتاب بر بطون یا لایه‌های معنایی (تأویلات) است؛ بدین سان که یک عبارت یا سیاق آن می‌تواند در خود، معانی متعدد طولی را همراه داشته باشد که بر فهم‌های مختلف، آشکار می‌گردند؛ چنان که در روایات اشاره شده که قرآن دارای هفت بطن یا هفتاد باطن است. قابل ذکر است که تأویل از ظاهر آیه و سیاق آن بر نمی‌آید و نیازمند تأیید معصوم است.^۳

نمونه اول

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَلَيْهِ يَعْضُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ.^۴

۱. المزار الكبير، ص ۵۹.

۲. سوره فصلت، آیه ۳۰.

۳. «روایات تفسیری، گونه‌شناسی و حجیت»، ص ۱۱.

۴. المزار الكبير، ص ۲۱۰.

این فقره اقتباسی صریح از آیات دوم و سوم سوره نبا بوده و به تبیین آیه «عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ»^۱ می پردازد. نبأ عظیم در آیه، در اصل به معنای حادثه بزرگ قیامت است، اما در تفاسیر به معانی مختلف دیگری نیز تعبیر شده است. برخی نیز آن را به نعمت امامت و ولایت تعبیر کرده اند. وجه این تعبیر شاید از این جهت باشد که ولایت حضرت علی علیه السلام خبر و حادثه بزرگی برای امت اسلامی است که امت در آن به اختلاف افتادند و فردای قیامت نیز از این نعمت بازخواست خواهند شد. این فقره نیز نبأ عظیم را تأویل به ولایت حضرت علی علیه السلام می کند.

نمونه دوم

در زیارتی از زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَى حَبْلِ اللَّهِ الْمُتَيْنِ، وَجَنْبِهِ الْمُتَكِينِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.^۲

این فقره مقتبس و ناظر بر آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»^۳ است. در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران واژه «حبل» برای وصل کردن و پیوستن به هر چیزی که باید به آن رسیده شود، به صورت استعاره به کار رفته است.^۴ خداوند دستور به تمسک به حبل الله را داده است؛ یعنی تمسک به چیزی که برای اتصال به خداوند باید به آن متصل شد که در این فقره حبل الله تأویل به امام علی علیه السلام و به تبع ایشان، ائمه معصوم علیهم السلام شده که باید به آنها متوسل شد و به آنان برای اتصال به خداوند تمسک جست.

نمونه سوم

در زیارتی از زیارات حضرت علی علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَى اِسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، السَّلَامُ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ الْمُضِيِّ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ الْعَلِيِّ، السَّلَامُ عَلَى صِرَاطِ اللَّهِ السَّوِيِّ.^۵

این فقره در ارتباط با آیه «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»^۶ است. اشم هر چیزی است که ذات اشیا با آن شناخته می شود.^۷ این اسمای حسنی برای درک و معرفت آفریدگان است؛

۱. سوره نبا، آیه ۲: از آن خبر بزرگ.

۲. المزار الكبير، ص ۲۱۸.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۴. مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۴۴۶.

۵. المزار الكبير، ص ۲۵۷.

۶. سوره اعراف، آیه ۱۸۰: نام های نکوتر برای خداست، وی را با آنها بخوانید.

۷. مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۲، ص ۲۶۳.

چون ذات حضرتش را حتی صفات ذات و افعالش نمی‌توانند دریافت کنند، گرچه دارای بالاترین معرفت باشند. خدا این اسمای حسنی را نمودارهایی برای معرفت خود مقرر داشته، چه اسمای لفظی و چه اسمای کونی، و این که در برخی روایات است که معصومان علیهم‌السلام فرموده‌اند: «نحن الاسماء الحسنی»، این‌ها اسمای حسنی منفصل از ذات ربانی‌اند که خود وسیله‌هایی برومند برای شناخت خدای‌اند.^۱ این فقره نیز با معرفی ائمه علیهم‌السلام به عنوان اسماء الله - که سبب شناخت پروردگار بر حسب حال بندگان می‌شوند - به تأویل «اسماء الحسنی» در آیه می‌پردازد.

در ادامه برای مروری بر آنچه که بیان شد، جدولی به صورت زیر، ارائه می‌گردد.

گونه تبیینی نوع بینامتنیت ژنتی	ترسیم فضای نزول	ایضاح مفهومی	بیان مصداق	بیان لایه‌های معنایی (تأویلات)
بینامتنیت صریح	۲۰۷ بقره	۱۷۲ اعراف / ۵۶ احزاب	۱۱۹ توبه	-----
بینامتنیت ضمنی	۲۵ احزاب / ۱۲ مجادله	۷ ضحی و ۵۲ شوری / ۴۸ مائده	۴ تحریم / ۷ رعد / ۳۰ فصلت	۲ نبأ / ۱۱۰۳ آل عمران / ۱۸۰ اعراف

نتایج

- در مطالعات دینی برای بررسی تأثیر متقابل متون دینی بر یکدیگر، بینامتنیت ژنتی از کارآمدی برخوردار است؛ چرا که طبق نظریه ژنت متون از لحاظ محتوایی و مضمونی نیز بر یکدیگر اثر گذارند و بین آن‌ها رابطه طولی برقرار است.
- در زیارات مأثور پنج تن آل عبا علیهم‌السلام فقراتی وجود دارند که با آیات قرآن در ارتباط و پیوند هستند و با استفاده از آن‌ها در دو قالب صریح و ضمنی می‌توان به تبیین قرآن پرداخت. این امر حاکی از بینامتنیت زیارات مأثور با قرآن طبق الگوی ژنت است.
- کاربرد این زیارات، همان‌طور که نمونه‌هایی از آن‌ها بیان شد، بدین صورت است که در متن زیارات اشاراتی به آیات قرآن وجود دارد. این اشارات گاهی به ظاهر الفاظ قرآن بر

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ج ۲، ص ۲۵۰.

می‌گردد و گاهی به معانی و بطن آن‌ها.

۴. با بررسی و تحلیل این اشارات و سیاق زیارات نکاتی بدیع و قابل توجه در تبیین قرآن به دست می‌آید که بسیاری از آن‌ها حتی از منابع روایی هم قابل استخراج نیستند.
۵. این فقرات به تبیین ساحت‌ها و سطوح مختلفی از قرآن می‌پردازند. برخی از آن‌ها، همان گونه که بیان شد، به تبیین ساحت ظاهری قرآن می‌پردازند؛ مانند: ترسیم فضای نزول، ایضاح مفهومی و بیان مصداق و برخی همچون تأویلات و لایه‌های معنایی به تبیین ساحت‌های باطنی قرآن کمک می‌کنند.
۶. نمونه‌های تبیینی بیان شده، با ارائه الگوهای مذکور مسیر بهره‌گیری از زیارات برای تبیین آیات را هموار می‌سازد و این امر گسترش منابع تبیینی قرآن را در پی خواهد داشت که به کشف ساحت‌های جدیدی از تفسیر بینامتنی قرآن می‌انجامد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- الأمالی، محمد بن علی بن بابویه، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
- بینامتنیت، گراهام آلن، مترجم: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵ش.
- بینامتنیت؛ از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم، بهمن نامور مطلق، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۵ش.
- ترجمه قرآن، عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ش.
- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- بیولوژی نص؛ نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، علی رضا قائمی نیا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۳ش.
- «ترامتنیت؛ مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، بهمن نامور مطلق، پژوهش نامه علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۵۶، ص ۸۳-۹۸.
- ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، محمد صادقی تهرانی، قم: شکرانه، ۱۳۸۸ش.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
- تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن، محمد حسین طباطبایی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.

- تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- درآمدی بر بینامتنیت، بهمن نامور مطلق، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۹۴ش.
- «روایات تفسیری شیعه؛ گونه‌شناسی و حجیت»، مهدی مهریزی، مجله علوم حدیث، شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۹ش.
- الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
- الکشف و البیان، احمد بن محمد ثعلبی، محقق: ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت: بی نا، بی تا.
- المزار الکبیر، محمد بن جعفر مشهدی، محقق و مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ق.
- موسوعة زیارات المعصومین، جمعی از نویسندگان، قم: پیام امام هادی علیه السلام، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ش.
- الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، علی بن احمد واحدی، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۵ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی